

داشته. دشت عباس، حمیدیه، هویزه و خرمشهر هم دیگر جاهایی بوده که او به همراه بسیاری از زنان دیگر که اغلب تهرانی بودند از مجروحان پرستاری می کردند. بارها پیش می آمده که او دو روز تمام غذا نمی خورده. «برایمان غذا می آوردند و نزدیک رود می گذاشتند اما در خیلی مواقع موشکی پرتاب می شد و همه خوراکی به اطراف پرتاب می شدند و دیگر از اینکه به مواد شیمیایی آغشته شده باشند جرات نمی کردیم بخوریم.»

از او پرسیدم آنجا احمد را هم می دیدین؟

«نه فقط از اینکه بهش نزدیک بودم خاترم جمع بود و گرنه نمی دیدمش.»

شعری به یاد احمد خواند که آن روزها خودش سراییده.

به کوههای مهران چشمم افتاد

دوباره آتشی توو جونم افتاد

به کله قندی مهران رسیدم

گلی پرپر به نام احمد ندیدم

چه خوشحال می گشتم ای نور دو چشمم

که حداقل من نعشت می دیدم

فدا بر قلب خالیت ای عزیزم

فدا بر روح عالیت ای عزیزم.

شعری که او برای عزای پسرش سروده طولانیست. به همین خاطر تمامی آنرا نخواند و فقط برخی جاها یک بیتش را به صحبت هایش

اضافه کرد.

گلایه از شرایط و اوضاع مملکت کرد: ما فقط چهار چیز را می خواهیم برای اینکه بدانیم بچه هایمان برای چه چیزی جنگیدند و جان دادند. دین و دیانت و عدل و عدالت. همین برای ما مهم است و می خواهیم.»

درباره اینکه چه شد جانباز شد گفت: «آن روز درون آمبولانس نشسته بودیم و به سمت مجروحانی که در خط مقدم زخمی شده بودند در حال حرکت بودیم. موشک به آمبولانس برخورد کرد. موتور آمبولانس آتش گرفت و من پایم از زانو به پایین سوخت.»

همان موقع به سر بر روی زمین افتادم و تا چند روز هیچی نمی فهمیدم تا به مرور زمان هوش و حواسم برگشت. اما آسیب و سوختگی پایم هنوز بعد از گذشت این همه سال بهبود نیافته. چند نفر دیگر هم داخل آمبولانس بودند که از بین رفتند. بیست و پنج درصد جانبازیم از همان آسیبی ست که به سرم وارد شد. اما این در برابر رنجی که احمد کشید هیچ بود. کاش ما مادرها وابسته نبودیم.

بر اساس آمار بنیاد شهید، زنانی که در بمباران ها، جبهه ها، و پشت جبهه ها مجروح شدند پنج هزار و هفتصد و سی و پنج نفر بوده اند که از این تعداد سه هزار و هفتاد و پنج نفر بالای بیست و پنج در صد جانبازی دارند. در جنگ ایران و عراق ۶۴۲۸ زن شهید شده اند و تفاوت برخورد میان زنان جانباز و شهید با مردان مشابه بسیار زیاد است. در همه این سال ها تعداد خیابان ها و کوچه هایی که در پایین ترین سطح توقع، به نامشان زده شده به تعداد انگشتان دست هم نمیرسد.

